

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست

سخن نخست

۹ درباره نویسنده کتاب

فصل اول

۱۳ «ضرب»؟ یا...

فصل دوم

۲۱ تُنَبک، یک ساز ضربه‌ای پوستی ایرانی است

فصل سوم

۵۵ تُنَبک، کاملترین ساز ضربه‌ای موجود در دنیاست

فصل چهارم

۷۱ تاریخچه تُنَبک و اهمیت آن و نوازنده‌اش در موسیقی ایرانی

فصل پنجم

۱۰۱ آیا تُنَبک نوازی، جزو هنرهای زیباست؟

فصل ششم

۱۱۱ بررسی موقعیت تُنَبک و نوازنده‌آن، از گذشته‌های دور تا امروز

فصل هفتم

۱۳۵ «ابعاد مختلف» تُنْبِك نوازی

فصل هشتم

۱۵۷ «دستورنویسی» در تُنْبِك نوازی

فصل نهم

۱۸۳ «آموزش» در تُنْبِك نوازی

فصل دهم

۱۸۹ «سنت» و «بدعت» در تُنْبِك نوازی

فصل یازدهم

۲۴۹ چند نظر کلی درباره گذشتگان

فصل دوازدهم

۲۶۱ «بت سازی» و «بت پرستی» در تُنْبِك نوازی

فصل سیزدهم

۲۸۵ «تعیین جانشین» در تُنْبِك نوازی

فصل چهاردهم

۲۹۳ «تأثیرپذیری» «همانندی» و «تقلید» در تُنْبِك نوازی

فصل پانزدهم

۳۲۹ تُنْبِك، به عنوان یک ساز مستقل جهانی

فصل شانزدهم

۳۴۹ «انتقاد» در تُنْبِك نوازی

فصل هفدهم

۳۷۱ هنر «شنیدن» تُنْبِك نوازی

سخن آخر

۳۸۱ نه شبم، نه شب پرستم که حدیث خواب گویم

از پوست انجام می‌گیرد تا نتیجه از نظر هنری والاتر و از نظر سمعی و بصری گوش‌نوازتر و چشم‌نوازتر باشد.

و اما طرز اجرای آن: ابتدا انگشت حلقه دست چپ، ضربه اول را در ناحیه میانه و ضربه دوم را در ناحیه کناره پوست وارد می‌کند و آنگاه انگشت حلقه دست راست، عکس این عمل را انجام می‌دهد. بدین ترتیب که ضربه اول را در قسمت کناره پوست و ضربه دوم را در قسمت میانه پوست فرود می‌آورد و سپس نوبت، مجدداً به انگشت حلقه دست چپ می‌رسد که عین حرکت قبلی را انجام می‌دهد و آنگاه انگشت حلقه دست راست، مانند گذشته انجام وظیفه می‌کند و...

۵- ریز دو انگشتی مضاعف شماره ۲: Shiraz-Beethoven.ir

اگر این نوع ریز را در دو قسمت مجزا از یکدیگر در نظر بگیریم نحوه اجرای قسمت اول آن، کاملاً مانند ریز دو انگشتی مضاعف شماره ۱، می‌باشد و نحوه اجرای قسمت دوم آن، عکس یا برگردان قسمت اول می‌باشد.

و اما، طرز اجرای آن: ابتدا، انگشت حلقه دست چپ، ضربه اول را در ناحیه میانه، و ضربه دوم را در ناحیه کناره پوست وارد می‌کند و آنگاه انگشت حلقه دست راست بر عکس، ضربه اول را در قسمت کناره و ضربه دوم را در قسمت میانه پوست فرود می‌آورد و این، پایان قسمت اول است و اما وقتی مجدداً نوبت به انگشت حلقه دست چپ می‌رسد عکس یا برگردان عمل قبلی خود را انجام می‌دهد. بدین ترتیب که: ضربه اول را در ناحیه کناره و ضربه دوم را در ناحیه میانه پوست وارد می‌کند و هنگامی که نوبت به انگشت حلقه دست راست می‌رسد آن نیز عکس یا برگردان عمل قبلی خود را انجام می‌دهد بدین شکل که: ضربه اول را در قسمت میانه، و ضربه دوم را در قسمت کناره پوست وارد می‌کند و این، پایان قسمت دوم می‌باشد و آن‌گاه مجدداً نوبت اجرای قسمت اول فرامی‌رسد و...

۶- ریز دو انگشتی سه بر دو:

این ریز نیز از دو قسمت تشکیل شده است، بدین ترتیب که: در قسمت اول ابتدا،

تناسب بدهند. به عبارت دیگر در هر یک از آثار هنری ریتم و حرکت از اصول اساسی و تعیین‌کننده ساختمان آن اثر به شمار می‌رود. با این توضیح که: در آن دسته از آثار هنری - که جنبه محرک و پویا (دینامیک) دارند - موضوع هنر، خود، می‌تواند در حرکت و جنبش و تقلا باشد. به طور مثال: هنر رقص با حرکت بدن انسانی، و هنر شعر با حرکت زبان (وزن و قافیه) سر و کار دارد اما، در هنرهای ایستا (استاتیک) مثل نقاشی و مجسمه‌سازی، عامل حرکت به جای اینکه در موضوع هنر باشد در درک و احساس بیننده قرار دارد. به عبارت دیگر، هر پدیده هنری دارای ریتم و حرکت خاصی است که آن ریتم و حرکت، به دو صورت عینی (Objective) و ذهنی (Subjective) می‌باشد.

«ریتم و حرکت عینی»، جزئی از وجود برخی آثار هنری است و نیازی نیز به حس کردن ندارد چرا که عینی است مانند: رقص و شعر.

«ریتم و حرکت ذهنی»، با ادراک بیننده از اثر هنری، سر و کار دارد مانند احساس حرکت در موضوع یک تابلوی نقاشی. زیرا حرکت، جزئی از وجود موضوع تابلو نیست بلکه ما، آن را در ذهن خود حس می‌کنیم.

اهمیت ریتم:

در جامعه‌های «شکارچی و گردآورنده»، به ریتم، بزرگ‌ترین اهمیت را می‌دهند. ضمناً در میان آنها ریتم یا وزن، به طور محسوسی پیچیده‌تر و بامعنی‌تر از ریتم‌های انسان متمدن است. هنوز هم در تمام قبایل بدوی - حتی آنهایی که با اقتصاد تولیدی اندک آشنایی نیز دارند - ریتم، یک عامل مهم در زندگی و روابط اجتماعی است که نمونه‌های بارز این اهمیت، در بین قبایل آفریقا، استرالیا، گینه نو، سرخپوستان آمریکا و زلاندنو، به کرات مشاهده شده است.

ریتم در موسیقی تمام ملل موجود در روی زمین، عامل مهمی است چرا که ریتم، استخوان‌بندی موسیقی را تشکیل می‌دهد و هنگامی این استخوان‌بندی، گوشت و خون، به خود می‌گیرد که ملودی و هارمونی بر آن افزوده شود. ضمناً باید

بت‌سازی و بت‌پرستی در تنبک‌نوازی، استبداد هنری به دنبال خواهد داشت: هر هیچ کس پوشیده نیست که استبداد - در هر زمینه‌ای - منبع جوشش فکری و تحرك حیاتی انسان را خشك می‌کند و این، مسأله‌ای است که بارها و بارها در اصول تعلیم و تربیت و روان‌شناسی اجتماعی امروز دنیا، به تجربه ثابت شده است. «رابیندرانات تاگور» فیلسوف، شاعر، نویسنده، نوازنده، موسیقی‌دان و معلم بزرگ هندی، در نوشته‌های خود مخالفت عمیق خود را با استبداد اعلام کرده است. باید دانست که: یکی از تجلیات زشت استبداد در هر يك از زمینه‌های هنری «انحصارطلبی» عاملین آن می‌باشد که این خود، باعث مخالفت شدید با هرگونه حس ابتکار و تحقیق برای یافتن راه‌های نو، و خلاصه، اذیت و آزار نوآوران (با توجه به در اقلیت بودن ایشان) می‌گردد در حالی که اگر:

«تمامی نوع بشر، به استثناء يك نفر، معتقد به عقیده واحدی باشند در این صورت، مبادرت کردن تمامی نوع بشر، به اینکه آن يك نفر را ملزم به سکوت نمایند، همان قدر بر خطا و ناحق است که آن يك نفر، در صورتی که اختیار و قدرت تام داشته باشد بخواهد تمامی نوع بشر را ملزم و وادار به سکوت کند.»^(۱) به طور کلی، محدود کردن و «منحصر ساختن» رایة هر هنری، به يك شیوه یا شیوه‌هایی خاص، با اصل «انکارناپذیر دگرگونی حقیقت‌ها» مغایرت دارد:

می‌دانیم که: «شناخت»^(۲) هرکس دربارهٔ يك امر یا پدیده، ناشی از چگونگی برخورد آن کس با آن امر یا پدیده می‌باشد و به عبارت دیگر، شناخت هرکس در هر موردی، بستگی به چگونگی برخوردش با آن مورد دارد. توضیح اینکه: شناخت یکی به درجه‌ای می‌رسد که آن را «صحیح» خوانند و شناخت دیگری به درجه‌ای می‌رسد که به صفت «سقیم» متصف می‌شود. همچنین، چه بسا که شناخت يك نفر

۱. از گفته‌های جان استوارت میل (J. S. Mille)، نویسندهٔ کتاب «در آزادی»، که «دکتر محمود صنایع»، آن را به فارسی برگردانده است.

۲. «شناخت» - در طول تاریخ بدون بشری - به دو صورت اصلی: «شناخت هنری» و «شناخت علمی»، نمایان شده است.

دهد. وی در کتابی به نام «نظر آکادمی درباره سید»، نتیجه این محکمه را بیان کرد. این کتاب اکنون یکی از اسناد مهم تاریخ ادبیات به شمار می‌رود. در این کتاب، شاپلن می‌نویسد:

«کرنی از اصول و قواعد ارسطو، سر باز زده است و از این رو شایسته سرزنش است.»

«کرنی» نیز، نظر وی را در طی هفت مقاله اساسی و پرمغز به نام «بحث‌هایی درباره تئاتر» رد کرد. مدت‌ها پس از ارسطو - یعنی از زمان آغاز «رنسانس» (که نقده صورت امروزی خود پدیدار شد) به بعد - نقد گام‌های بلندی به سوی کمال برداشت و ناقدان، ممیزات و مشخصات بسیار دقیق و عمیقی را کشف کردند و جنگ‌های لفظی و قلمی زیادی در مورد «قاعدی بودن» یا «ذوقی بودن» نقد، آغاز شد (که البته بررسی یکایک آنها از حوصله این کتاب، خارج است) ولی در این میان، آنچه که مسلم است اینکه:

بیهودگی کوشش کسانی که خواسته‌اند نقد هنری را در قالب و قواعد ثابت و مشخصی مقید و محدود سازند آشکار است چرا که وضع قاعده و قانون برای نقد هنری، به همان اندازه خنده‌دار است که کسی بخواهد برای «غم خوردن» یا «خشمگین شدن» و یا «شادی کردن»، آداب و رسوم و مقرراتی معین و غیرقابل تغییر، ترتیب دهد!

Shiraz-Beethoven.ir

تاریخچه^(۱) انتقاد در ایران

از مطالعه و تفحص در این مورد، چنین پیداست که:

نقدنویسی و انتقاد در ایران - به صورت امروزی خود - با جنبش مشروطیت پدید آمد. زیرا تا قبل از مشروطه کسی حق نداشت که برخلاف «مذهب مختار و حاکم» زمانه، عقیده‌ای اظهار کند و به اصطلاح: حرفی - ولو اینکه درست و منطقی

۱. از این جهت کلمه «تاریخچه» را به کار بردیم که - همانطور که در همین قسمت خواهیم دید - عمر انتقاد در ایران، بسیار کوتاه است.